احیاگری و اصلاح طلبی
در
نهضت حسینی

مهدی بابا پور

بسم الله الرحمن الرحیم

احیاگری و اصلاح طلبی در نهضت حسینی

نویسنده:

مهدی باباپور

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

احیاگری و اصلاح طلبی در نهضت حسینی

مشخصات کتاب

نویسنده : مهدی باباپور

ناشر : مهدی باباپور

واژگان احیا و اصلاح

واژگان «احیاء» و «اصلاح در ادبیات دینی سابقه دیرینه ای دارد و استعمال آن به عصر نزول وحی برمی برگردد. این دو واژه در برخی از آیاتی که خداوند بر پیامبر (ص) خاتم نازل کرده به کار رفته و سپس به متون و نصوص دیگر راه یافته است

احیاگری در فرهنگ قرآنی

این واژه در مواضع و موارد متعددی در قرآن آمده است که معنای کلی آن به معنای زنده کردن حیات بخشیدن است که این زنده شدن و یا زنده کردن در حوزه های مختلف مورد بحث است و ما به آیاتی که باموضوع مورد بحث ارتباط نزدیک تری دارد، اشاره می کنیم احیای افراد جامعه از مرگ مادی و معنوی توسط هم نوعان خویش (مَن ءاَحیاها فَکَاَنَّما أحْيَا النَاس جمیعاً)؛ «هر کسی یک انسان را زنده کند، مثل این است که همه مردم را حیات بخشیده » احیای جامعه به سبب اجرای احکام الهی (و لکم فی قصاص حَیاه ٌ یا اولی الالباب ؛ «در اجرای ِ حکم ِ الهی ِ قصاص برای شما حیات و زندگی است ای صاحبان عقل و خرد». احیا در پرتو ایمان و پذیرش دعوت خدا و رسولش قرآن کریم به مومنان نیز فرمان داده که دعوت احیاگرانه خداوند و پیامبر او را اجابت کنند:(یا ایها الذین امنوا استجیبوا لله و لِلرَّسُول اِذا دَعاکم لما یحییکم . ای اهل ایمان چون خدا و رسول شما را به ایمان دعوت کنند اجابت کنید تا به حیات ابدی رسید.مفسران مطالبی را از این آیه برداشت کرده اند، برخی گفته اند: منظور از آن «دعوت ِ حیات بخش ، جهاد است زیرا به وسیله جهاد، دین

عزت می یابد. چنان که علی (ع) می فرماید:«فرض الله الجهاد عزاً للاسلام .و وقتی دین در جامعه عزّت یابد، آن جامعه جامعه ای زنده خواهد بود و در صورت رسیدن به فیض شهادت (در جهاد)، خود نیز حیات جاودانه می یابد.برخی نیز ایمان آوردن و پذیرش دعوت پیامبر را سبب «حیات دل و جان و کفر را علت مرگ آن دانسته اند.گروهی هم اعتقاد به قرآن و فراگرفتن علم و دین را مایه حیات انسان به شمارمی آورند، زیرا که مشابهت و مناسبتی میان نادانی و دانایی با «مرگ و زندگی وجود دارد.شماری از مفسران مقصود از دعوت حیات بخش را دعوت به سوی بهشت تعبیر کرده اند، زیرا که حیات جاودانی در آن جاست علامه طباطبایی گر چه همه این برداشت ها را وجوهی می داند که می توان آیه را با آن تطبیق داد، ولی خود بر این باور است که اصولاً ـ دعوت حق در همه ابعاد آن احیاگراست آموزه ها و احکام الهی انسان را برای درک زندگی حقیقی و معنوی آماده می سازد وحیاتی می بخشد که علم نافع و عمل صالح سرچشمه آن است آن چنان که خداوند فرموده است (مَن ْ عمل صالحاً من ذکرٍ اَوْ أنْثی و هو مُؤمن فَلَنُحْیینّه حَیاه ًطَیّبه و لنجزینهم اجرهم بِاَحْسَن ِما کانوا یعملون ، هر زن و مردی که کاری نیک و شایسته کند، در حالی که مؤمن باشد، هر آینه او را به زندگی پاک و خوش زنده بداریم و مزدشان را بر پایه نیکوترین کاری که می کردند پاداش دهیم .آیه مورد بحث که می فرماید: (اذا دعاکم لما یحییکم مطلق است و از این که شامل مجموع دعوت های رسول خدا

(ص) که مایه زنده شدن دل ها است و یا دسته ای از دعوت هایش که طبیعت احیا را دارد بشود، هیچ ابایی نداشته و هم چنین شامل نتایج دعوت او که عبارت است از انواع زندگی های سعیده حقیقیه مانند زندگی اخروی در جوارخدا نیز می شود. چون همه اینها را شامل می شود، پس نباید آیه شریفه را مقید کرده و....بلکه آیه شریفه همان طوری که گفتیم عام است و همه را شامل می شود و هیچ دلیلی نیست که آن را از معنای عام و وسیعش برگردانیده و بگوییم مرادش این وجه است یا آن وجه

احیاگری در نهضت حسینی

کلمه احیا و احیاگری در سخنان امام حسین (ع) به معنای بیدار کردن بازگرداندن ارزش ها، زنده کردن انسان ها و جامعه اسلامی از خواب غفلت و بی خبری به کار رفته است امام ع) در نامه ای به بزرگان بصره از آنها می خواهد که به کتاب الهی و سنت نبوی بیندیشند و از واقعیت های جامعه غافل نباشند؛ سنت ها و روش های پسندیده مرده و ازمیان رفته و بدعت ها و ارزش های جاهلی زنده و جای آنها را گرفته است «و انا ادعوکم الی کتاب الله و سنه نبیه (ص) فان ّالسُّنَه قَدْ اُمیتَت ٭و ان ّالْبدعه قداُحییَت ٭و اَن ٭تسمعوا قولی و تطیعوا امری اهدکم سبیل الرشاد»؛ من شما را به پیروی ازکتاب خدا و راه و روش پیامبر فرامی خوانم زیرا هم اکنون سنت پیامبر از میان رفته وبدعتها و احکام ناروا زنده شده است پس اگر گوش به این پیام من فرا دهید و آن را بپذیرید، شما را به راه سعادت رهبری خواهم کرد.هم چنین آن حضرت سبب پذیرش دعوت کوفیان

را، هویت احیاگرانه آن می داند و می فرماید:«ان ـ اَهْل الکوفه کَتَبوُا اِلَی ـَ یَسْألوننی ان اقدم علیهم لما رجوا من احیاء معالم الحق و اماته البـدع .از این رو، در این راه قاطع و بی تردیـد گام برداشت زیرا که قیام برای احیای حق و میراندن باطل را وظیفه دینی خود می دانست «ما اهون الموت علی سبیل العزّ و احیاء الحق لیس الموت فی سبیل العزّ الّاحیاه خالـده لیست الحیاه مع الذّل الاّ الموت الذی لاحیاه معه .اما به راستی این احیای حق و زنده کردن سنت ها و روش های درست چه بود که حسین بن علی (ع) بر آن اصـرار داشت و جـان خود و یـارانش را در پای آن گـذاشت تردیـدی نیست که احیای سـنت و ارزش های مورد پسـند شارع و از میان بردن شـیوه ها وروش های غلط بود. از این رو، حسین بن علی (ع) «احیای سنت ها» و «اماته بدعت ها» را شعار خود قرار می دهد و در سخنان نورانی خود آنها را به خوبی تبیین می کند.

اصلاح طلبی در فرهنگ قرآنی

اصـلاح یعنی سامان بخشـیدن در قرآن کریم واژه های اصـلاح مصـلح مصلحون و مشتقات آن بارها به کار رفته است و انسان هایی که در انـدیشه اصـلاح جامعه و درصدد سامان دادن کار مردم هسـتند، سـتایش شده اند.واژه های فساد، افساد و مفسدان در مقابل اصـلاح بارها مطرح شـده و از زورمـداران زرانـدوزان و طاغوتیان به عنوان مفسـد و فساد گران یاد شـده و تعبیرهای بسـیار کوبنده ونکوهش کننده ای نسبت به آنها به کار گرفته شده است قرآن کریم رسالت بزرگ همه پیامبران و اولیای الهی را اصلاح در زندگی مادی ومعنوی

انسان ها معرفی می کند و رسولان حق را مصلح می نامد.شعیب پیامبر(ص) هدف رسالت و مأموریت اصلی خود را اصلاح امور مردم معرفی می کند و می گوید:(اِن ٔارید الاّ الْاصْلاح مَا اسْتَطَعْت و ما توفیقی اِلاّ بالله علیه توکلت و الیه اُنیب ؛ من هیچ انگیزه ای جز اصلاح امر شما ندارم و از خدا توفیق می طلبم و بر او توکل کرده و به درگاه او پناه می برم .او از ابتدای فعالیت خویش به سامان بخشی و نیکوسازی معیشت دنیایی و رفع فساد و تباهی در روابط اقتصادی آنان می پردازد و با دعوت و ترغیب فراوان آنان را به تبعیت از مقررات و دستورالعمل های دینی به منظور اصلاح همه شئون مادی و معنوی حیات دنیایی دعوت می کند.از دیدگاه قرآن رسالت اصلی دین اصلاح فکر و عقل بشر است و پایداری و ابقای جوامع در گرو اصلاح طلبی و اصلاح گرایی است و سرانجام ِ نیکو و پاداش نیک نیز از آن اصلاح گران است از دیدگاه قرآن اصلاح بشر تنها در پرتو اجرای قوانین کتاب آسمانی و دین خدا، امکان پذیر است تعالیم قرآنی به ما می آموزد که علاوه بر پیامبران و پیشوایان دین واولیای الهی همه کسانی که به کتاب آسمانی و قوانین و احکام الهی تمسک جویند، راه تقوا و عفاف را بپویند، در برابر پروردگار سر تسلیم فرود آورند و قادر به اصلاح امور مردم باشند؛ جزء مصلحان هستند.در قرآن به همان اندازه که از حرکت های اصلاحی دفاع می شود، به حرکت های ضد اصلاحی حمله می گردد، هر چند رهبران آن به ظاهر مدعی اصلاح طلبی باشند؛ به عنوان مثال ادعای اصلاح طلبی

منافقان به شدت تخطئه شده است (و اِذا قیل لَهُم لاتُفْسِدوُا فِی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هُم ُالْمفسدون و لکن لایَشعرون ؛ هر گاه به آنها گفته شود در زمین فساد نکنید، می گویند: ما فقط اصلاح گرانیم آگاه باشید که اینها مفسدانند و خود هم به دقت درک نمی کنند.«اصلاح طلبی یک روحیه اسلامی است هر مسلمانی به حکم اینکه مسلمان است خواه ناخواه اصلاح طلب و لااقل طرفدار اصلاح طلبی است زیرا اصلاح طلبی هم به عنوان یک شأن پیامبری در قرآن مطرح شده و هم مصداق امر به معروف و نهی از منکر است »

ویژگی های مصلح

انجام حرکت اصلاحی ِ همه جانبه در گرو دارا بودن ویژگی ها و صفاتی بایسته است که متصدیان صالح باید واجد آن باشند.مردم قبل از آن که به گفته افراد بنگرند، نوعی ارزیابی کارشناسانه و دقیق نسبت به اعمال رفتار و خصوصیات مدعیان اصلاح دارند و در چهار چوب آن اوصاف و زمینه ها، عملکرد و گفته های افراد را ارزیابی می کنند.در این قسمت گذرا به چند صفت ِ مصلحان اشاره می کنیم ۱ اصلاح خویش (خودسازی نخستین گام در هر حرکت اصلاحی از نگاه دین اصلاح خویشتن یا جهاد بانفس است که به «جهاد اکبر» معروف است امام علی ع) می فرماید:«عَجِبْت ُلِمَن ٍیتصدی لِاِصْلاح الناس و نفسه اَشَدّ شی ءٍ فساداً فلایصحلها ویتعاطی اصلاح غیره «تعجب می کنم از کسی که متصدی اصلاح مردم می شود، در حالی که خودش فاسد است و خود را اصلاح ننموده و به دنبال اصلاح دیگران می باشد».شبیه به این حدیث از امام معصوم آمده است «چطور کسی ادعای اصلاح

دیگران را دارد، در حالی که هنوز خودش را اصلاح نکرده است »فلذا مصلحان راستین پیش از دعوت به اصلاح دیگران باید به اصلاح خویش بپردازند.بنابراین هر حرکت اصلاحی رهبری صالح و مصلح می خواهد.۲ شناخت داشتن از اقدام اصلاحی خودمصلح باید شناخت کافی از اصلاح داشته باشد، تا عملش به جای اصلاح به افساد نکشد. امام علی (ع) می فرماید:«عشره یفتنون انفسهم و غیرهم و یرید للصّلاح و لیس بعالمٍ». «ده نفرند که خود و دیگران را به مشکل گرفتار می کنند: یکی از آنان اصلاح طلبی است که عالم و آگاه به اصلاح نیست »یک مصلح باید مثل طبیب اول درد را شناسایی و سپس درمان را ارائه دهد. و باید بداند که هر دردی درمان خاص خود را دارد و هر فسادی اصلاح خاص خود را می طلبد، به قول مرحوم شرف الدین «لا یاتی الصلاح اِلاّ مِن یاتی الفساد؛ صلاح را از همان راهی وارد جامعه کنید که فساد را وارد کرده اند.»بنابراین کسی که در جای گاه اصلاحات سیاسی اجتماعی و فرهنگی و دینی قرار می گیرد، باید به احکام و قوانین الهی آشنا و عالم باشد و صلاح و فساد را کاملاً بشناسد.۳ حق گرایی و حق طلبی ویژگی دیگر مصلح آن است که تمام اقدام هایش براساس حق و حق مداری باشد. و اسیر نفس مال و دنیازدگی نشود.به تعبیر امام علی (ع):«لا یمنعکم رعایه الحق لاحد عن اقامه الحق علیه مبادا رعایت و بزرگداشت کسی مانع شما از اجرای حد گردد».علی ع) که انگیزه خود را اصلاح امور جامعه مطرح می کند، این

اصلاح طلبی را درمحور احیاء حق می داند:«و الله لَهی اَحَب ـِالی ـِمِن امرتکم اِلاّ اَن ٥اقیم حقاً او ادفع باطلاً؛ به خدا سوگند! هرآینه این کفش کهنه در نزد من از حکومت کردن بر شما محبوب تر است مگر این که اقامه حقی بکنم یا باطلی را دفع کنم »حضرت حق محوری را در حرکت اصلاحی خود اصلی مسلّم می داند.و امام حسین ع) که انگیزه قیام خود را اصلاح طلبی براساس حق طلبی و حق گرایی می داند، می فرماید:«اَلا ترون ان ـِالحق لا یُعْمل به و ان ـِالباطل لایتناهی عنه لیرْغب المؤمن فی لقاءاللّه محقاً؛ آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل پیشگیری نمی شود؟ پس سزاوار است که مومن برای ملاقات خدا مشتاق باشد.»بنابراین اصلاحات امام حسین ع) در مسیر اجرا و اقامه حق در جامعه می باشد. واگر چنین شد، آن اصلاح یک اصلاح دینی و اسلامی می شود.۴ صداقت و اخلاص دیگر ویژگی مصلح آن است که در کار خویش صداقت داشته باشد و با تمام اخلاص درصدد کمک کردن به مردم و نجات جامعه از بدبختی و فساد باشد. رمزجاودانگی قیام امام حسین (ع) که مرزهای زمانی و مکانی را در نور دید، صداقت واخلاص او بود. که در آخرین لحظه های زندگی فرمود:«الهی رضاً بقضائک تسلیماً لامرک لا معبود سواک خدایا راضی هستم به قضای تو و تسلیم هستم در مقابل اوامر تو و هیچ معبودی جز تو نیست .این ویژگی ها، برای کسی که ادعای اصلاح جامعه را دارد ضرورت دارد. هم چنین پرهیز از به کارگیری ابزار نامشروع برای رسیدن به اهداف مشروع پرهیز از سازش کاری

و ملاحظه قاطعیت و صراحت و شجاعت برنامه عملی داشتن واقع بینی و وسعت فکر واندیشه از ویژگی هایی است که برای مصلح لازم و ضروری است اصول و مبانی احیاگری و اصلاح طلبی در نهضت حسینی در خصوص اصول و مبانی احیا و اصلاح کلامی عمیق و زیبا از امام حسین (ع) وجود دارد، که می توانند راه گشای کار ما باشد. امام حسین (ع) حرکت اصلاحی خود را الگویی از سیره و روش پیامبر (ص) و علی (ع) می داند.امام در وصیت نامه خود که هنگام حرکت از مدینه به سوی مکه برای محمد مشهور به ابن حنیفه نگاشت هویت حرکت احیاگرانه و اصلاح طلبانه خود را بیان می کند.آن حضرت پس از بیان عقیده خویش درباره توحید، نبوت و معاد می نویسد:«و اِنّی لَم ٱخرج اَشراً و لا بَطَراً و لا مُفْسِداً و لا ظالماً و اِنّما خَرَجْت ُلِطَلَب ِ الاِصْلاح فی امَّه ِ جدّی (ص)، اُریدُ اَن ٱامر بِالمَعْروف و اَنْهی عن المنکر واسیر بسیره جدّی و اَبی علی ّ بن ابیطالب (ع)؛ من از روی هوس سرکشی تبه کاری وستمگری قیام نکردم تنها به انگیزه اصلاح در امت جدّم برخاستم می خواهم به نیکی ها فرمان دهم واز بدی ها باز دارم و روش جدّ خود و پدرم علی بن ابی طالب را دنبال کنم »امام حسین (ع) در سخنرانی خود در سرزمین «مِنی خود را مصلح معرفی و همان سخنان پدر بزرگوارش را تکرار می کند:«اَللّهم انک ّ تَعْلم انّه لَم ٱیکن ما کان َ منّا تَنافُساً فی سلطان و لا الْتِماس ِ مِن ٱفُضُول الْحُطام و لکن ّ لَنُرِی المعالم مِن ٱدینك و

نُظْهِرُ الاصـلاح فی بلادک و یَأمُن مظلمون من عبادک و یُعْمل بفرائضک و سُنَنَک و احکامک ..؛ پروردگارا! تو می دانی این حرکت مـا نه به خاطر رقابت بر سـر حکومت و قـدرت و نه به منظور به دست آوردن مال دنیا است بلکه به خاطر آن است که نشانه های دین تو را به مردم بنمایانم و اصـلاحات را در کشوراسـلامی اجرا کنم تا بندگان ستم دیده ات از چنگال ظالمان در امان باشـند و واجبات واحکام و سـنت های تعطیل شده تو دوباره اجرا گردد.»امام حسـین (ع) که این سـخنرانی را در ایام حج در جمع صـحابه بزرگ پیـامبر وتـابعین در زمـان معـاویه ایراد فرمودنـد، با صـراحت از اصـلاحات سـخن می گویـد و با همان صراحت و شـفافیت اصول و مبـانی این حرکت اصـلاحی را بیـان می دارد. این اصول ومبانی در چهار اصل ِبنیادین بیان شـده است همین جمله های نورانی را علی ع) در نهـج البلاغه بیان فرمود و اهداف و انگیزه فعالیت های خود را بر این مبانی اسـتوار می سـاخت الف بـازگشت به اصول واقعی اسـلام لنری المعـالم من دینـک : نشانه های محو شـده راه خـدا را که همان اصول واقعی اسـلام است بازگردانیم . یعنی بازگشت به اسـلام نخستین و اسـلام راستین بازگردانـدن اصول محو شده احیای آنچه از این نشانه ها محو گشـته و یا کم رنگ شده از بین بردن بدعت ها و جای گزین ساختن سـنت های اصیل اسلامی یعنی اصلاح در فکرهـا وانـدیشه ها و تحولی در روح ها و ضـمیرها و قضاوت ها در زمینه خود اسـلام ب تحوّل بنیادین در اوضاع زنـدگی مردم و نظهر الاصلاح فی بلادک : حاکم نمودن

اصلاح در کشور. اصلاح اساسی و آشکار و چشم گیری که نظر هر بیننده را جلب نماید و علائم بهبودی وضع زندگی مردم در آن کاملاً هویدا باشد، را در شهرها و مجامع به عمل آوریم یعنی تحولی بنیادین در اوضاع زندگی خلق خدا.ج تحول بنیادین و اساسی در روابط اجتماعی یَأمن المظلومون مِن عبادك : ایجاد محیطی امن برای عبادگان خدا.بندگان مظلوم خدا از شر ظالمان امان یابند، و دست تطاول ستم کاران از سرستم دیدگان کوتاه شود؛ یعنی اصلاح در روابط اجتماعی انسان ها.د تحولی ثمربخش و اسلامی در نظام های مدنی و اجتماعی ویُعْمل بفرائضك و سننك و احكامك ؛ عمل به قوانین احکام و سنت های تعطیل و فراموش شده مقررات تعطیل شده خدا و قانون های نقض شده اسلام بار دیگر به پا داشته شود و حاکم بر زندگی اجتماعی مردم گردد.شهید مطهری در این باره می فرماید:«هر مصلحی که موفق شود این چهار اصل را عمل سازد، افکار و اندیشه ها را متوجه اسلام راستین سازد و بدعت ها و خرافه ها را از مغزها بیرون براند، به زندگی عمومی از نظر تغذیه و مسکن و بهداشت و آموزش و پرورش سامان بخشد، روابط انسانی انسان ها را براساس برابری و برادری و احساس اخوت و همسانی برقرار سازد، و ساخت جامعه را از نظر نظامات و مقررات حاکم طبق الگوی خدایی اسلامی قرار دهد، به حداکثرموفقیت نائل آمده است .امام حسین (ع) تاکید می کند که اصول مزبور، مخدوش و مغفول واقع شده اند. پس کسی را طلب می کند که برای سامان بخشیدن به ناهنجاری ها و احیای سنت ها وارزش های مقدس جامعه عصر نبوی قیام کند، و البته این کار

بزرگ مصلحی خود ساخته و به دور از شائبه های قدرت پرستی دنیا دوستی و رفاه طلبی می خواهد که امام در وصیت نامه مذکورش بر این مطلب تأکید می کند.

ابعاد احیاگری و اصلاح طلبی در نهضت حسینی

امام حسین ع) حرکت احیاگرانه و اصلاح طلبانه خود را در ابعاد مختلف وحوزه های گوناگون آغاز کرد، که در این قسمت به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود:الف اصلاح سیاسی و مبارزه با سلطه باند اموی ابوسفیان در حدود بیست سال با پیامبر (ص) جنگید و در حدود پنج شش سال آخر، قائد اعظم تحریم علیه اسلام بود. ولی متأسفانه به دلیل سیاست های قومی خلفا، پس ازده سال از وفات پیامبر (ص)، پسر او معاویه که همیشه دوش به دوش و پا به پای پدرش با اسلام می جنگید، والی شام و سوریه شد و سی سال بعد از وفات پیغمبر، خلیفه و امیرمؤمنان گردید.امویان ثروت و سیاست را به دست آوردند، اما دیانت را هرگز و چون به حکومت رسیدند، تظاهر به دین و مومن نمایی را به جای آن برگزیدند و روحانیون بی تقوا، مانند ابوهریره را به کار گرفتند. دنیاداران به دلیل وجود رقیبان بر دنیای خود هراسناک بودند وگاه ناخشنود، و دین داران به این دلیل که دین در مخاطره و تهدید قرار گرفته بود، برمی آشفتند. این است که هم زبیر و عبدالله بن زبیر و... و هم مقداد و ابوذر و عمار و حجرو... همگی سر به شورش برداشتند.در ماجرای قتل عثمان دسته قدرت طلبان و دنیاداران بیشترین دخیل بودند.عمروعاص خود می گفت که بر هیچ چوپانی نگذشتم مگر این که او را به قتل عثمان تحریک کردم معاویه با این که پرورده

عثمـان بود، فکر کرد که از مرده عثمـان بیشـتر می توان سود برد، تـا از زنـده او؛ هم از نظر برانگیختن احسـاس هـا برای بیرون کردن مخالفـان و رقیبـان ازصـحنه و هم از جهت قبضه قـدرت معـاویه برخی را به تهدیـد و برخی را به تطمیع به سوی خویش متمایل کرد و علی هم چنان پایدار به عنوان دشـمن اصلی او باقی ماند. این بود که از دشنام و جعل احادیث علیه او و تهمت و منع نقـل فضایـل او و از میان بردن دوسـتان و یارانش و هر کار دیگری کوتاهی نکرد. علاوه بر اینها در این دوره کسانی چون حکم بن عـاص که پیـامبر خـدا (ص) آنـان را از جـامعه مسـلمانان طرد کرده بود به فرمانـدهی ولایات گماشت و مروان را نیز چنـدان قـدرت بخشـید که به جای خلیفه فرمان می داد و قلمرو حکومت را چنـدان گسترش داد که «فلسـطین و «حمص را هم بـدان افزود و رهـبری و قیـادت سـپاهی چهارگـانه را به وی سـپرد و برای او که پـول و نیروی بسـیار گرد آورده بود، زمینه ای ساخت که در زمان علی (ع) در برابر آن حضـرت ایسـتاد و خواهان ادامه سـلطنت خود شـد. هر چنـد که معاویه اززمان خلیفه های پیشـین به فرمانـداری برگزیـده شـده بود، اما این اقتـدار و افسار گسـیختگی را نـداشت عزم امام حسـین (ع) برای اصـلاح سیاسـی و ساختار حکومتی و تحقق حکومت دینی به ویژه پس از مرگ معاویه و روی کارآمـدن یزیـد، آشـکارتر و راسـخ تر شد. زیرا که سلطه باند اموی گسترده تر و یزید بسی بی پرواتر از پدر خویش به نابودی هم سنت پیامبرو اصول

و ارزش هـای دینی پرداخته بـود. از این رو در برابر بیعت خواهی یزیـد ایسـتاد و اظهـار داشت «انـا لله و انـا الیه راجعون و علی الاسـلام السلام اذ قَدْ بُلیت الاُمه براع مثل یزید»؛همه از خداییم و به سوی او می رویم بنابراین باید با اسلام خداحافظی کرد که امت اسـلامی به فرمـانروایی چون یزیـد گرفتـار آمـده است »«و قـد سـمعت ُرسول الله (ص) یقول الخلافه محرمه ٌعلی ال ابی سفیان ..؛من از رسول خدا (ص) شـنیدم فرمود: خلافت بر دودمان ابوسـفیان و طلقاء و فرزندان طلقاء حرام است .اگر معاویه را بر منبر من دیدیـد شـکمش را بشـکافید. «به خـدا سوگند! اهل مدینه اورا بر منبر جدّم دیدند و به فرمانش عمل نکردند؛ از این رو خدا آنان را به فرزندش یزیدگرفتار کرد. خدا عذابش را در آتش بیفزاید».این جاست که امام نوک پیکان اصـلاح خود را متوجه ساختار حکومت و رهبری جامعه می کند و تمام تلاش خویش را در جهت افشای حکومت ظالم و مستبد اموی به کار می گیرد. و فرمود:«فیاعجبـا! و مـالی لاـ اعجب و الاـرض من غاش غشوم و متصـدق ظلوم و عامل علی المومنین بهم غیر رحیم شگفتـا! و چرا در شـگفت نبـاشم که زمین در تصـرف مردی دغـل و سـتم کـار و مالیـات بگیری نابکـار است حاکمی است بر مومنـان که نسـبت به آنها مهربانی نـدارد.و نیز فرمود:«نحن اهل البیت اولی بولایه هـذا الامر علیکم من هولاء المـدعین ما لیس لهم . مـا خانـدان پیـامبر (ص) از این هـا که ادعای دروغ دارنـد و با شـما به سـتم و دشـمنی رفتارمی کننـد به ولایت و رهبری برتریم »بنابراین اصلاح ساختار

حکومت و رهبری تشکیل حکومت اسلامی حقیقی یکی از مهم ترین ابعاد نهضت حسینی است ب اصلاح اجتماعی و بدعت ستیزی خرافه زدایی و احیای سنت نبوی یکی از ابعاد اصلاح گری امام حسین (ع) مقابله با بدعت ها، پیدایش اختلافات طبقاتی و دور شدن و انحراف از سنت نبوی بوده است هنگامی که صحابه پیامبر (ص) وپیروان علی (ع) به این ناهنجاری های اجتماعی لب به اعتراض می گشودند، به امر خلیفه شکنجه می شدند و یا نفی بلد و تبعید می گردیدند؛ چنان که ابن مسعود، صحابه بزرگ پیامبر (ص) در پای منبر عثمان بر او اعتراض کرده و پاسخ عثمان این بود که او را از مسجد اخراج کنید، و مأموران او را کشان کشان روی زمین کشیدند و پس از بیرون بردن از مسجد، آن قدر او را به زمین کوبیدند که استخوان هایش درهم شکست خلیفه به این هم بسنده نکرد، بلکه فرمان داد که حقوق وی را نیز قطع کنند و حتی عیادت از او را در بستر بیماری ممنوع کرد.عمار یاسر صحابه دیگر پیامبر نیز بارها نزد عثمان شتافت و به روش او بانگ اعتراض داشت پند عمار این بود که بیت المال را از دسترس اغنیا دور نگه دار و به شیوه ای درست و عادلانه بپرداز؛ و دست از تعصب قومی بردار و خانواده و منسوبان خویش را برمردم مسلط مساز! عثمان این بار خود با عصایش بر عمار حمله کرد و ضرباتی چند بر صورتش نواخت غلامانش نیز به پیروی از وی صحابه پیامبر را کتک زدند.ابوذر نیز در برابر این نابسامانی ها و کردارهای ناشایست تاب نیاورد و روزی فریاد برآورد:«ای عثمان

کارهـای تـازه ای در پیش گرفته ای که مـا بـا آن آشـنایی نـداریم به خـدا سوگنـد! کردار، تو نه در قرآن پیـدا می شود نه در روایـات پیـامبر. به خـدا سوگنـد! می بینم که نـور حـق خـاموش می گردد، باطـل زنـده می شـود و سودجـویی رواج دارد. ای ثروتمنـدان با فقرا همراهی کنیـد، که خداوند فرمود: به آنان که طلا و نقره ها را انبار می کنند و در راه خدا انفاق نمی نمایند، بشارت بـده که با آهن گداخته پیشانی پهلو و پشت شـما را داغ می کنند.پرده های حریر آویزان ساخته اید، متکاهای دیبا تهیه کرده ایـد و به خوابیـدن روی بسترهای نرم خو گرفته اید، اما پیامبر خدا روی حصـیر می خوابید. غذاهای رنگارنگ در اختیار شمـاست ولی محمـد (ص) از نـان جوین سـیر نمی گردیـد.ابوذر به شـام تعبیـد شـد، اما در شام کردارهایی از معاویه دیـد که کارهـای عثمـان در برابرش نـاچیز می نمود.هنگامی که معاویه «قصـر الخضـراء» کاخ سبز را بر پا می داشت ابوذر برایش پیغام فرسـتاد: ای معاویه اگر این کاخ سبز را از بیت المال ساخته ای به ملت خیانت ورزیده ای واگر از اموال خود ساخته ای اسراف کرده ای این حق گویی واکنش معـاویه را برانگیخت و او را نـاگزیر ساخت که برای عثمان گزارش هایی دروغین بفرسـتد. از این رو، طبق فرمان خلیفه او را بر شتری چموش و بدخوو بی روپوش نشاندند و مأموران سـنگ دلی بر وی گماشتند که شتر را بـا شـتاب می راندنـد؛ آن گونه که چون به مـدینه رسـیدند گوشت های ران هایش فرسوده و پیکرش کوبیـده شـد.به هر حال عثمان از تحقیر، تهدید و دشنام به این صحابه بزرگ رسول خداکوتاهی نکرد، ولی هنگامی که

از بستن دهان حق گویش ناامید شد، خواست تا با پرداخت دویست دینار به ابوذر وی را رام و خاموش سازد.اما ابوذر هشیارتر و پـاک تر از آن بود که فریفته مـال و منـال دنیا شود و از این رو به فرسـتاده عثمان گفت «آیا عثمان به همین انـدازه که به من داده به مسـلمانان دیگر هم داده است » نماینده عثمان پاسخ داد: «نه . ابوذر گفت «پس من هم یکی از مسلمانانم آنچه دیگران طـاقت آن را دارنـد من هم طـاقت آن را دارم پول ها را باز گردانیـد.»عثمان چاره ای جز تبعیـد ابوذر نیافت و گواهی پیامبر بر راست گویی و درست کاری ابوذر را، که علی (ع) بر آن تاکید داشت ناشنیده انگاشت شگفت این که از ترس خلیفه جز علی (ع) و حسین (ع) و عمار و عقیل هیچ مسلمانی به بدرقه این صحابی صادق و صالح نشتافت آری ابوذر به جرم اعتراض به کج رفتـاری هـای خلیفه به بیابان بی آب و علف ربـذه تبعیـد شـد و در آن جا تنها جان باخت هنگامی که عثمان دسـتور داد عمار یاسـر را به خـاطر اعتراض هـایش علیه اسـراف کـاری هـای مزبور، کتک بزننـد، عایشه بر وی فریاد زد:«که این موی و جامه و کفش پیامبر است که هنوز نفرسوده است ولی شما سنتش را از میان برده اید.»در این اوضاع و احوال معاویه توانست با ترفند و سیاست بازی هنگام مصاف باعلی (ع) در طلیعه شـکست با افراشتن قرآن به نوک نیزه ها مردم را بفریبد و ماجرای حکمیّت را تحمیل کند و قرآن ناطق را از مردم بگیرد و با به شهادت رساندن عمار یاسر ومومنان دیگر، باز هم

در حفظ قدرت خویش پیروز و کام یاب باشد. ماجرای جمل و نهروان در هر صورت برخاسته از این ستیز است هم چنین با تداوم بخشیدن به سیاست تهدید و تطمیع مردم در دوران امام حسن (ع) توانست از وحدت و پیروزی لشگر آن حضرت پیش گیری کند و با تحمیل قرارداد صلح نتیجه را به سود خود تغییر دهد.نفوذ در میان نیروهای وفادار به امام و توطئه برای از میان بردن آن حضرت که متاسفانه کارساز هم واقع گردید، غرور و گردن فرازی و نخوتی را در پی داشت که جاودانگی حکومت اموی را در ذهنش ترسیم می ساخت لذا با موروثی کردن سلطنت درخاندان خویش و بیعت گرفتن از مردم برای یزید، آشکارا بدعتی دیگر نهاد و دگر بار سر ازسنت برتافت اینک که برخی صحابه پیامبر از میان امت رخت بر بسته و به دیار باقی شتافته اند و نه تنها علی و حسن به شهادت رسیده اند، بلکه عمار یاسر و ابوذر و حجر بن عدی وصعصعه بن سوهان نیز به ایشان پیوسته اند، و دیری نمی پاید که مقداد و رشید هجری نیز دستگیر و مصلوب می شوند. حسین (ع) به عنوان فرزند پیامبر و وارث او، در برابرارتجاع فساد بدعت ستمگری و منکری که جامعه اسلامی را در برگرفته بود، چه واکنشی باید نشان دهد؟اکنون که به جای خانه ساده پیامبر و مسجد مدینه کاخ سبز معاویه و قصرهای کوفه و شام خودنمایی می کند، و به جای محمد (ع) و علی (ع)، شرک پیشه گان منافق حکم روایی می کنند و بدتر از آن جوان جاهل و شراب خوار و عیاشی که جز به شراب خواری

و میمون بـازی و قمار بازی و سگ بازی و لودگی و شـهوت رانی به چیزی نمی اندیشـد، به عنوان خلیفه مسـلمانان بر کرسـی سلطنت می نشـیند و به زور می خواهـد ازبزرگـان قـوم حـتی فرزنـدان پیـامبر بیعت بگیرد.این جـاست که حسـین (ع) به عنوان مصـلح اجتمـاعی و احیاگر سـنت فراموش شـده پیامبر (ص) وارد مبارزه می شود و صـریحاً بیان می کنـد:«انما خرجت لِطَلَبِ الْاِصْلاح فی امه جدی همانا من برای اصـلاح امت جدم و ازبین بردن انحراف ها و بدعت ها و ناهنجاری های اجتماعی دست به قیام زدم .و هم چنین در نامه ای به سـران قبایل بصـره می نویسـد:«و قـد بَعَثْت رسوُلی الیکم بهـذا الکتاب و انا اَدْعوُکم الی کتاب الله و سنّه نبیّه (ص)، فان السـنه قد اُمیتت و ان البدعه قد اُحییَت و اِن تسـمعوا قولی و تطعیوا امری اَهْدِکم سَبیل الرّشاد (ع)؛ اینک پیک خود را با این نامه به سوی شـما می فرسـتم شما رابه کتاب و سنت پیامبر دعوت می کنم زیرا در شرایطی قرار گرفته ایم که سنت پیامبر به کلی از بین رفته و بدعت ها زنده شده است اگر سخن مرا بشنوید و امر مرا اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت خواهم کرد».۳ اصـلاح فرهنگی و مقابله با ناهنجاری هایکی دیگر از ابعاد حرکت اصـلاحی امام حسین (ع) افشاگری به ناهنجاری های فرهنگی و اخلاقی می باشـد که ناشـی از عملکرد بد حکومت است امام (ع) در سـخنرانی خود در «منی بـه ایـن موضـوع اشـاره می کنـد و می فرمایـد:«ای دانشـمندان و روشـن فکران شـما گروهی هستیـد که بر دانش و نیکی وخیرخواهی شهرت یافته اید... شما به چشم خود می بینید که پیمان های الهی را می شکنند و با

قوانین خدا به مخالفت برمی خیزند. افراد کور و لال و زمین گیر در کشور اسلامی بدون سرپرست و مراقب مانده اند و به آنها رحم نمی شود. با سازش کاری وهمکاری و مسامحه با ستمگران خود را آسوده می دارید. زمام امور در دست کسانی است که عالم به دین خدا نیستند. ستمگران را بر مقدرات خود مسلط ساختید».آن حضرت در ادامه به ناهنجاری های فرهنگی و اخلاقی مانند: رواج ستمگری گسترش فساد و فحشاء در جامعه تضییع حقوق مستضعفان بی تفاوتی مردم در برابرحرمت شکنی مقدسات بی توجهی مردم به شکستن حریم ِ حرمت قرآن و سنت پیامبر، نفوذ یافتن شبهه پراکنان در مراکز فرهنگی دنیاگرایی و دنیازدگی دانشمندان سپرده شدن امور فرهنگی به دست تنگ مایگان علمی انحراف از آموزه ها و ارزش های دینی اشاره می کند.آن حضرت در راه عراق در منطقه «ذی حسم ایستاده حمد و ثنای خداوند به جای آورد و فرمود:«اِنّه قَدْ نَزَل بنا مِن الاَمِرْ ما قد ترون و ان ّالدنیا قَدْ تَغیّرت ْو تَنَکرت ْو اَدْبَرَ معروفها، وَ اسْتَمَّرت ْجِدّاً و لم یبق اِلاّ صُبابَه ٌکَصبابِه ِ الاِناء، و خَسیس عَیش ٍ کالمرعی الوَبیل اَلا ترون اَن َالحق لایعمل به و ان َالباطل لایتناهی عنه لَیَرغَب َالمؤمن فی لقاءالله مُحقاً، فانی لا اَری الموت اِلاّ سعاده ً(شهاده ً) و لاالحیاه مع الظالمین اِلاّ بَرَما. ان ّالناس عبید الدنیا و الدین لَعِق ٌعلی السنتهم یحوطونه مادرَّت علی معاشیهم فاذا مُحِصّوا بالبلاء قل ّالدیانون کار ما به این جا کشیده است که می بینید. چهره دنیا دگرگون و ناسازگار شده نیکی اش پشت کرده با شتاب درگذر است و از آن جز اندکی

همچون ته مانـده ظروف بیش نمانـده است که آن نیز زندگی پستی است همچون چراگاهی سـخت و خطرناک آیا نمی بینید که به حق عمل نمی کنند و از باطل بازنمی دارند؟! در چنین شـرایطی مؤمنان را بایسـته است که خواهان دیدار خدا [و شـیفته شهادت باشـند که من چنین مرگی را جزء سعادت [شـهادت و زنـدگی در کنار ظالمان راجز ننگ و خواری نمی بینم حقاً که مردم بنـدگان دنیاینـد و دین نـاچیزی بی جـان برزبانشان است [لقلقه زبان که بر گردش تا آنجا حلقه می زننـد که دنیاشان در فراخ باشـد وهر گاه با بلا آزموده شونـد، دینـداران انـدک گردنـد.»و هم چنین آن حضـرت در منطقه «بیضه برای هر دو سـپاه (سپاه خودش و سـپاه حرّ) سـخن گفت و آنهـا را به ناهنجـاری هـای فرهنگی جـامعه و انحرافی که حاصـل شـده آگـاه کرد و فرمود:«ایها الناس اِن ّ رسول ُ اللّه (ص) قال مَن رَای سـلطاناً جائراً مُسـتحلاً لِحرُم الله ناکثاً لِعهدالله مخالفاً لِسُنه ِ رسول ِ اللّه یُعمل ُ فی عبـادِالله بالاثم و العـدوان فَلَم یُغیر علیه بِفعل ٍ و لاقول کان حقاً علی الله اَن یـدخله اَلا و ان ّ هؤلاء قَـد لَزِمؤا طاعه الشـیطان وَ ترکوا طـاعه الرحمن و اظهروا الفَسـاد، و عطلوا الحـدود، وَ اسـتأثروا بالفی و احلوا حرام الله و حرموا حلاله ُ، و انا احق ّ مِن غیر»؛ هان ای مردم همانا رسول خـدا (ص) فرمود:هر که فرمان روایی سـتمگر را ببینـد که حرام های خدا را حلال می شـمرد، پیمان خدا را می شکند، با سنت رسول خدا (ص) مخالفت کرده در میان بندگان خدا با گناه و تجاوز رفتار

می کند و او با کردار و گفتار خود بر او قیام نکند، بر خداست که او را در جای گاه [پست و عذاب آور] آن ستمگر در آورد.بدانید اینان به پیروی از شیطان چسبیده اطاعت خدای رحمان را ترک گفته تباهی ها را آشکار ساخته حدود خداوند را تعطیل کرده بیت المال را در انحصار خود درآورده حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته اند و من از هر کس دیگر سزاوارترم که بر اینان شوریده و در برابرشان بایستم .

نتیجه

حرکت احیاگرانه و اصلاحی امام حسین (ع) حرکتی است که شامل تمام زوایای جامعه آن روز و جوامع بعدی می گردد، همه نواقص و کاستی ها را شناسایی می کند و طرح و برنامه هایی را بر اساس مبانی قرآن و سنت پیامبر (ص) و سیره علی (ع) برای مقابله با آنها عرضه می دارد.نمی توان و نباید هیچ یک از ابعاد و جنبه های اصلاحات را نادیده انگاشت و بعضی را شدت بخشید و از برخی چشم پوشید و از شتاب بازداشت اگر بنا داریم حسین وار در همه ابعاد اصلاحاتی را دنبال کنیم باید با حفظ مبانی قرآنی و دینی و در چار چوب ارزشهای اسلامی چنین کنیم مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه و سخنرانی های عمومی اصول و ابعاد مختلف اصلاحات در جامعه امروز را بیان فرمودند، که بدون شرح و تفصیل فهرستی از آنها را ذکر می کنیم باشد که فرمایشات معظم له که ترجمان بی بدیل وکم نظیرِ سیره اهل بیت و خصوصاً اباعبدالله الحسین (ع) می باشد، مورد توجه همه مسئولان و مردم قرار گیرد.ایشان فرمودند:۱- ما احتیاج

داریم که دستگاه اداری مان مقرراتی داشته باشد که برای همه یکسان باشد و در آن تبعیض نباشد. اگر بود، فساد است و فساد باید اصلاح شود؛۲- باید رشوه و ارتشا نباشد و اگر بود، فساد است و باید اصلاح گردد؛۳- راه های کسب ثروت مشروع باشد. اگر کسانی از راه های نامشروع کسب ثروت کردند، این فساد است و باید اصلاح شود؛۴- اگر کسانی از امتیازات بی جا استفاده کرده اند، ثروت های باد آورده پیدا کردند ودیگران را به قیمت این که خودشان ثروت مند شوند، فقیر کردند، این فساد است و باید اصلاح شود؛۵- اگر در جامعه امتیازهای انحصاری به وجود آوردند و همه نتوانستند از فرصت های برابر استفاده کنند، این فساد است و باید اصلاح شود؛۶- اگر مردم دچار بی انضباطی اند، به خصوص مسئولان بخش های اداره کشور، بی انضباط اند و انضباط اجتماعی نیست این فساد است ۷- در جوانان اگر ملکات انسانی یعنی شجاعت صفا، صدق نشاط فعالیت وکار، رشد پیدا نمی کند این فساد است و باید اصلاح شود؛۸- اگر اعتیاد در جامعه هست این فساد است ۹- اگر وظیفه شناسی در مسئولان نیست این فساد است ۱۰- اگر جرم و جنایت هست اگر دسترسی به قضاوت عادلانه نیست اگر رسیدگی های قضایی طولانی می شود و پرونده ها تا مدت ها می ماند، این فساد است و باید اصلاح گردد و باید از جرم و جنایت پیش گیری کرد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹